

کژتابی‌های شناختی انتخابات در ایران



داود غریایق زندی

عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

فهم و درک ما از سازوکار انتخابات در ایران همچنان محل پرسش‌های فراوانی است. بدون شناخت درست و کژتابی‌های شناختی از انتخابات، مسائل و مشکلات ما با این سازوکار ادامه خواهد داشت. انتخابات نقش مهمی در تعیین فرایند سیاستگذاری، تعیین‌بخشی به نهادها و گزینش سیاستمداران دارد. دو مزیت انتخابات از اهمیت غیرقابل جایگزینی برخوردار است: نخست، اگر نیروهای سیاسی دارای دیدگاه‌های مختلف هستند، آن را در معرض انتخاب مردم قرار می‌دهند و از این طریق اختلافات سیاسی به شکل نهادینه در جامعه با گزینشگری مردم برطرف می‌شود. دوم، اگر موضوعی نظیر برجام و بسیاری از مسائل اختلافی دیگر در فرایند انتخابات به رأی گذاشته می‌شود و این امر نوعی اجماع در فرایند سیاستگذاری ایجاد می‌کند و دیگر کسی قادر به اخلاص یا نسبت وابستگی به جایی نخواهد داد زیرا این خواست عمومی است که توسط فردی که مطرح شده، باید پیگیری شود.

نخستین کژتابی در فهم خود انتخابات است. انتخابات می‌تواند برای گزینش افرادی با قابلیت‌های مادی و معنوی باشد تا نیازهای جامعه را برطرف کند؛ انتخابات می‌تواند نوعی قیومیت عده‌ای برای پیشبرد عموم مردم به سوی اهداف معین باشد؛ می‌تواند نمایندگی خواست و صدای عموم مردم باشد و در نهایت می‌تواند به کار گرفتن افرادی همانند ما در ساختار قدرت باشد. در کشور ما انتخابات در درجه اول با قیومیت و سپس با شباهت نزدیکی دارد و کمتر با نمایندگی و اعتماد به شایستگی استوار است. بر همین اساس، تصور از انتخابات بیشتر نوعی بیعت و تأیید است نه مبتنی بر ارزیابی و نتایج. اگر انتخابات «دامساج» جامعه است تا سیاستمداران در چه حرارت جامعه را به دست آورند، باید از هر اقدامی برای تحت تأثیر قرار دادن این آگاهی پرهیز گردد. همچنین اگر انتخابات بیشتر نوعی «سوپاپ اطمینان» برای تخلیه روانی و مشکلات اجتماعی است، چرا باید این فرایند تعیین‌شده؟ در نهایت اگر انتخابات به دنبال حل اختلاف در جامعه است، چرا باید خود به عامل اختلاف در جامعه بدل گردد؟ وقتی انتخابات قرار است سازوکاری برای رفع برخی مشکلات در جامعه باشد، خود به عامل اصلی درگیری بین نیروهای سیاسی بدل می‌گردد نشانه کژتابی شناختی از این پدیده است.

موضوع دیگر این است که انتخابات با تعیین موضوعات اصلی و افراد مشخص، باعث کارآمدی در ساختار سیاسی خواهد شد. منظور از کارآمدی، انجام کار درست به روش درست است. اگر نظام سیاسی وظایف اصلی و محوری خود را به درستی انجام دهد، قاعدتاً حمایت عمومی از نظام سیاسی افزایش می‌یابد و اگر نظام سیاسی کار خود را درست انجام ندهد، افزایش تقاضای سیاسی در درون نظام سیاسی را شاهد خواهیم بود. اگر این افزایش تقاضا مرتفع گردد، نظام سیاسی می‌تواند ارزیابی کند که درست کار می‌کند ولی اگر همواره دچار افزایش تقاضا همراه با وعده‌های عجیب و غریب نامرئذها برای کسب آرا باشد، نظام سیاسی دچار افزایش بار خواهد شد و اعتماد به صندوق رأی کاهش می‌یابد. البته در مرحله نخست مشارکت افزایش بیش از ۶۰ درصدی خواهد یافت و در مرحله بعد کاهش مشارکت خواهد بود که کمتر از ۴۰ درصد از نشانگان بحران کاهش است. به‌طور متعارف شرکت مردم در انتخابات بین ۴۰ تا ۶۰ درصد است؛ معنای آن این است که روال متعارف ممکن است مطلوب نباشد، اما مورد اعتراض هم نیست. زمانی مشارکت بالای ۶۰ درصد را داریم، معنای آن این است که مردم تصور می‌کنند شرایط به ضرر آنها پیش می‌رود و باید آن را تغییر دهند. اما زمانی که این سازوکار برای تغییر سیاست‌ها و افراد و روندهای نادرست موفق نباشد، مشارکت کاهش می‌یابد و این به معنای کاهش اعتبار صندوق رأی برای تغییر است و زمینه‌ساز قهر با صندوق، ناکارآمدی و اعتراضات اجتماعی و در نتیجه، سروکوب اعتراضات، نشانه کاهش مشروعیت است.

با توجه به دوره‌های قبلی انتخابات در ایران از سال ۱۳۸۸ به بعد، نظام سیاسی از یک سو سعی دارد افزایش مشارکت داشته باشد و از سوی دیگر افزایش مشارکت با روی کار آمدن گروهی است که منتقد نظام سیاسی هستند. افزایش مشارکت برای نظام سیاسی نوعی فرزندخواندگی است برای مشروعیت نظام و برای طرف مقابل نوعی مشارکت مشروط است که در صورت کارکرد مناسب نظام سیاسی محقق خواهد شد. باور قدیمی رأی‌دهندگی این بود که افراد در رأی دادن براساس باورها و عقاید و حتی ایدئولوژی‌ها یا ایستارهای خود عمل می‌کنند. بر این اساس،

افراد به افراد و احزابی رأی می‌دهند که با آنها شباهت دارد و یا همسویی اعتقادی وجود دارد. اما امروزه این رفتار انتخاباتی است که ترجیحات و باورهای مردم را شکل می‌دهد؛ یعنی اگر گروه و جریانی بهتر توانست مسائل و مشکلات و نیازهای اجتماعی را برطرف کند، آنها باید شانس بیشتری در انتخابات داشته باشند و باعث افزایش مشارکت مردم برای گزینش آنها در مسئولیت سیاسی را افزایش می‌دهد.

بر این اساس، در بیشتر مواقع شرکت در انتخابات برای نفی یک دیدگاه و جریان سیاسی بود تا پذیرش رویکرد مناسب خود و به تعبیری شرکت در انتخابات از حب یکی نیست بلکه از بغض دیگران است. به این معنی مردم، برای جلوگیری از وخامت اوضاع و ناکارآمدی بیشتر به رأی دادن روی می‌آورند تا افزایش مشروعیت نظام سیاسی. کاهش قابل توجه طرفداران یک جناح خاص در انتخابات دوره چهاردهم به نسبت دوره قبل نیز از نشانگان آن است. موضوع محوری دیگر این است که انتخابات باید زمینه‌پذیرش عمومی جامعه و نوعی کثرت‌گرایی را فراهم آورد نه یکدست‌سازی. افزایش دوقطبی‌های اجتماعی چه واقعی و چه اعلامی زمینه‌انباشت فرایند دوقطبی در جامعه خواهد شد و به مرور زمینه‌رفع آن با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. مهمترین مشکل در کشور این است که رؤسای جمهور قبلی نتوانستند پس از به قدرت رسیدن آن را حل کنند و حتی به آن دامن زده‌اند. این مشکل برای دولت چهاردهم هم ممکن است زیرا تعارض منافع حتی با آمارسازی و تلاش برای تحمیل روایت خودی بر دیگری به شدت در جریان است. و با واقع، هیچ‌گاه فرایند نظارت و کنترل (Check and Balance Mechanism) بین‌نیروهای سیاسی وجود ندارد. این جریان باعث شده تا یک طرف سیاسی در صورت مغلوب شدن، حداکثر توان تحمل رقیب در یک دوره را داشته باشد و تلاش کند کار آنها به دوره بعد کشیده نشود؛ زیرا تقسیم قدرت سیاسی در اصل نوعی تسهیم منفعت و ثروت در میان طرفداران خودی را به همراه داشته است.

مهمترین محورهای انتخابات چهاردهم، سیاست خارجی است. قلب سیاست خارجی ما ایجاد تعادل بین شرق و غرب است. برجام و FATF و بدل شدن به یک کشور متعارف در نظام بین‌المللی از موضوعات محوری در انتخاب رئیس‌جمهور جدید است. این موضوع نوعی دوگانه تحریم و فساد را در جامعه پدید آورد؛ به این معنا که مهمترین مشکل ما تحریم غرب است یا ناکارآمدی و فساد نظام سیاسی؟ یک طرف ماجراسعی دارد نشان دهد که این موضوع بیشتر ناشی از ناکارآمدی است و فساد در تمامی دوره‌های مختلف وجود داشته است. طرف دیگر سعی دارد نشان دهد که فساد برای دور زدن تحریم‌ها صورت می‌گیرد. چون دست نظام سیاسی در تبادلات مالی بسته است، تن به این شرایط پیچیده و پر مسئله می‌دهد. واقعیت این است که این دو موضوع، در زوری یک سکه هستند. اما اگر قرار باشد که تحریم تنها برای مردم باشد و فساد برای نظام سیاسی، این موضوع تحریم خود صندوق را در پی خواهد داشت.

برای پرهیز از این کژتابی‌های شناختی که به اختصار آمد، توجه به چند نکته ضروری است: (۱) مجموعه شعارهایی که منتخب دولت چهاردهم مطرح کرده، سه کلیدواژه عدالت اجتماعی، توسعه و تخصص‌گرایی اولویت بیشتری دارد. اگر این مواردی هستند که مردم به آنها اقبال نشان دادند، پس دولت چهاردهم باید به درستی آن را پیاده کند، زیرا در غیر این صورت، نه تنها قهر ۵۰ درصدی مردم با صندوق ادامه خواهد یافت، بلکه این بحران مشارکت تعمیق خواهد شد. (۲) مطالعه انتخابات به شکل تخصصی باید در دستور کار دانشگاه‌های مهم کشور قرار گیرد. انتخابات باید با افزایش کارآمدی، مشروعیت و پرهیز از اختلاف در مردم همراه باشد و گرنه به سازوکاری ضد خود بدل خواهد شد. (۳) نقش رسانه در کاهش قطبی‌شدن در جامعه نیازمند بازنگری جدی است. این موضوع بیش و پیش از همه در مورد صداوسیما قابل اطلاق است. (۴) نیروهای دینی و گفتمان دینی باید در راستای جذب حداکثری در جامعه عمل کنند و دین نماد یک جریان سیاسی نباید باشد. (۵) توجه به اقتصاد انتخابات ضروری است. نه تنها باید هزینه‌های انتخاباتی نامرئذها روشن گردد بلکه باید تلاش این باشد که هزینه برگزاری خود انتخابات کاهش یابد. (۶) پرهیز از دوگانه تحریم و فساد برای افزایش مشارکت، اعتماد، کارآمدی و مشروعیت سیاسی نظام ضروری است. (۷) موضوعات منطقه‌ای و سیاست خارجی محور موضوعات دولت چهاردهم است. بدون حل این مسائل، اوضاع کشور دورنمای روشنی نخواهد داشت. (۸) در نهایت آنچه به‌رغم تمام ناملایمات و مشکلات فرایند کشور در چند سال اخیر، باعث افزایش مشارکت ۵۰ درصدی مردم در انتخابات شده، اشاره به اهمیت صندوق رأی دارد که روال دیگری در دنیای امروز برای جایگزینی آن وجود ندارد. هرگونه کژتابی شناختی در قبال انتخابات یا تلاش برای مهندسی آن، در واقع بر شاخ نشستن و بن بریدن است.

تظاهرات شهرک‌نشینان برای توافق درباره تبادل اسرا

توافق مبادله اسرا با مقاومت در غزه بودند، بازداشت کرد. تظاهرات کنندگان بر لزوم برکناری نتانیاهو و برگزاری انتخابات زودهنگام و دست‌یابی فوری به توافق مبادله اسرا با مقاومت در غزه تأکید کردند.

خانواده‌های اسرای اسرائیلی می‌گویند نتانیاهو عمداً مانع رسیدن به توافق مبادله اسرا می‌شود و اسرای اسرائیلی در اسارت در غزه کشته می‌شوند.

کناره‌گرفتن ستارگان؟

بررسی خودداری ظریف، آذری جهرمی و فاضلی از حضور در دولت چهاردهم

کردند. در کنار این دونفر البته نقش محمدافاضلی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه رادر ستاد پزشکیان نباید از یاد برد. او پس از آنکه در یکی از گفت‌وگوهای تلویزیونی پزشکیان، مورد توهین قرار گرفت، به جای سکوت، خشم غلیظ خود را به سمت کارشناس هتاک برنامه و مجری جانبدار آن، نشانه گرفت؛ رفتاری که برخلاف انتظار اولیه، تبدیل به نماد جامعه مورد هتاک قرار گرفته دانشگاهی و نخبه شد که دیگر توان سکوت در برابر بی‌حرمتی‌ها را از دست داده است. او تبدیل به یک تن از میلیون‌ها تن ایرانی ناراضی شد که با وجود برخورداری از علم و ادب دیگر حاضر نیستند به‌تانه‌ها، قلندری‌ها و یک‌سویه‌نگری‌ها را تحمل کنند و مسیر خاموشی در پیش گیرند. حرکت معترضانه او در کنار علمی که بسیاری از مردم در او سراغ دارند کمک بسزایی به توفیق پزشکیان کرد که او را به عنوان یکی از مشاوران خود انتخاب کرده بود. با این حال ظریف و آذری جهرمی اعلام کرده‌اند که حاضر نیستند در کابینه دولت چهاردهم نقشی بپذیرند در این بین فاضلی هم از لزوم تشکیل کابینه‌ای ائتلافی می‌گوید. در واقع **ظریف** از همان نخستین ساعات پیروزی پزشکیان اعلام کرد که تنها وظیفه‌اش حذف تفکر تندرو بوده و در دولت آینده سمتی نخواهد داشت؛ وظیفه‌ای که البته در مسیر انجام آن تلاشی بسیار کرد. او روز گذشته هم در نشست اعضای مجمع کافرینان ایران اعلام کرد که با هدف جوان‌سازی دولت قرار است ۶۰ درصد از وزیران برای نخستین بار وزیر شوند و شرایط سنی آنان نیز زیر ۵۰ سال باشد؛ «بنا داریم دولت جوانی تشکیل شود و واقعا قرار نیست افرادی مانند من که بارها مسئولیت داشته‌ایم دوباره در این دولت مسئولیت بگیریم، در دوره تبلیغات ریاست جمهوری بارها تأکید کرده‌ام که من ظریف در دولت مسئولیتی نمی‌خواهم و برای پست و مقام نامیده‌ام، حتی پست معاون اولی را به خاطر پست و مقامش حاضر نیستم بپذیرم.»

آذری جهرمی هم در کانال تلگرامی‌اش مطالب مشابهی را منتشر کرد: «امروز که کار انتخابات به سرانجام رسید، مسئولیتی در کابینه جدید نخواهم پذیرفت. معتقدم باید با مردم صادق بود و نباید با بسازی با کلمات از وعده‌ای که داده شده عدول کرد؛ نیاز است نفس‌های تازه در روح دولت چهاردهم دمیده شود. چهره‌های تکراری برای مردم ملالت‌آورند. باید تمرکز کم‌سر اتمام پایان‌نامه نیمه‌تمام و اودامه تحصیل در مقطع دکترا، این برنامه قبلی من برای زندگی بود که همان را پیگیری خواهم کرد... همچنان با بضاعت کمی که دارم و با همه توان از اووراهش حمایت خواهم کرد تا با اقدامات ایشان، همه با هم به زندگی برگردیم.»

فاضلی هم از جمله افرادی بود که اعلام کرده به دولت پزشکیان نخواهد پیوست؛ قوی‌که پیش از برگزاری انتخابات موفقیت‌پزشکیان داده است: «کسی از من برای پیوستن به دولت دعوت نمی‌کنند ولی حتی اگر هم چنین شود، به دولت احتمالی آقای پزشکیان هم در هیچ سطحی نمی‌پیوندم. همچنین ضمن احترام به نهاد دانشگاه، تحت هر شرایطی به کارم در دانشگاه بر نمی‌گردم. بنابراین

نشست سر نوشت‌ساز برای بایدن

هفتادوپنجمین نشست سران ناتو در واشنگتن جریان دارد



کاخ سفید امیدوار است که بایدن بتواند در این سخنرانی، ورق را در این دوره دشوار به نفع خود بازگرداند، اگر چه برخی از دیپلمات‌ها در این نشست گفتند که جبران این آسیب ممکن است دشوار باشد. براساس این گزارش، بایدن روز سه‌شنبه سخنرانی خود را از روی یک دستگاه متن‌نمای تلپرومتر با صدایی غررا و مطمئن ایراد و تا حد زیادی از لغزش‌های کلامی و سردرگمی‌های مناظره‌اش، اجتناب کرد.

رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «پوتین چیزی کمتر از تسلیم کامل اوکراین و محو این کشور از روی نقشه نمی‌خواهد، ولی اوکراین می‌تواند پوتین را متوقف کند. امروز ناتو از هر زمان دیگری در تاریخ خود قوی‌تر است.» او صحبت‌های خود را با اعطای مدال آزادی ریاست‌جمهوری آمریکا که بالاترین نشان افتخار غیرنظامی این کشور است، به پنس استولتنبرگ سیاستمدار و دبیرکل نروزی ناتو تمام و از او به خاطر احیای ائتلاف ۳۲ کشور عضو ناتو قدردانی کرد. سخنرانی بایدن در تالار فدرال هال واشنگتن‌دی.سی انجام شد. ۷۵ سال قبل در ۲ آوریل ۱۹۴۹، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در همین سالن امضا شد.

عضویت در ناتو، شاید وقتی دیگر

پنس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو روز گذشته در سخنانی گفت: «هنوز خیلی زود است که بگوییم اوکراین چه زمانی به عضویت ناتو درمی‌آید.

سخنرانی رئیس‌جمهور

حضور و سخنرانی در افتتاح اجلاس ناتو، عالی‌ترین حضور سیاسی بایدن پس از مناظره اول میان او و ترامپ است. به گزارش یورونیوز،